

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد
رشته روان شناسی تربیتی

عنوان:

رابطه بین سبک های یادگیری و ویژگی های شخصیتی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه شهر یاسوج

استاد راهنما:

دکتر آذرمیدخت رضایی

استاد مشاور:

دکتر سلطانه علی کاظمی

نگارش:

علی فتح لطیف پور

زمستان ۱۳۹۰

صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

بدینوسیله دانشجو علی فتح لطیف پور در مورخه ۱۳۹۰/۱۱/۲۹ از پایان نامه خود با عنوان رابطه بین سبکهای یادگیری و ویژگیهای شخصیتی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه شهر یاسوج با درجه عالی و کسب نمره ۱۷/۶۰ دفاع نموده است.

دکتر آذرمیدخت رضایی.....استاد راهنما

دکتر سلطانه‌علی کاظمی.....استاد مشاور

دکتر حجت الله جاویدی.....استاد داور

دکتر عباس قلتاش.....استاد داور

دکتر سیده مریم حسینی.....استاد ناظر

موارد فوق مورد تایید است

مدیر / معاونت پژوهشی

چکیده:

موضوع پژوهش بررسی رابطه سبک های یادگیری، ویژگی های شخصیتی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان یاسوج بوده است. روش پژوهش در تحقیق حاضر، از نوع همبستگی است. نمونه شامل ۳۰۰ نفر از دانش آموزان بوده، که به روش نمونه گیری چند مرحله ای خوشه ای از بین جامعه مورد نظر انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای مورد نظر از پرسش نامه سبک های یادگیری کلب و آزمون شخصیتی نئو و عملکرد تحصیلی استفاده شد برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش آماری ضریب همبستگی استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که، بین سبک های یادگیری دانش آموزان و عملکرد تحصیلی رابطه معنادار وجود ندارد. بین ویژگی شخصیتی انعطاف پذیر و با وجدان بودن با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. یافته ها نشان دادند که در سبکهای یادگیری دختران نمرات بیشتری از پسران در سبک یادگیری واگرا کسب نمودند. از بین ویژگی های شخصیتی، پسران نمرات بالاتری در ویژگی شخصیتی روان رنجوری و دلدپذیر بودن داشتند.

کلید واژه ها: سبک های یادگیری، ویژگی های شخصیتی، عملکرد تحصیلی

برخود واجب می‌دانم از استادان فرهیخته و ارجمندی که در تدوین و سامان یافتن این پایان نامه به بنده یاری رساندند، تقدیر و سپاسگزاری کنم، مقام شامخ استاد بزرگوار و دانشمند، جناب دکتر سلطانه‌علی کاظمی را که خوشه چین علم و معرفتشان بوده‌ام، ارج می‌نهم و از راهنمایی‌های عالمانه و ارزشمند ایشان در مراحل مختلف پژوهش، و نیز حوصله و دقتی که در تدوین پایان نامه مبذول داشتند کمال تشکر و قدردانی را دارم. بر خود واجب می‌دانم که از استاد ارجمند دلسوز، سرکار خانم دکتر آذرمیدخت رضایی که با روی گشاده و صمیمیت تمام، بنده را تشویق و راهنمایی کردند، تقدیر کنم.

تقدیم به

به پدر و مادرم، که همیشه یار و
یاورم بوده‌اند.

به همسرم که همیشه مشوق و
همراهم بوده است.

به فرزندانم که امید زندگی‌ام
هستند.

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| | فصل اول: طرح تحقیق |
| ۲ | مقدمه |
| ۳ | بیان مسأله |
| ۵ | اهمیت و ضرورت پژوهش |
| ۶ | اهداف پژوهش |
| ۶ | تعاریف نظری |
| ۷ | تعاریف عملیاتی |
| ۸ | فرضیه های تحقیق |
| | فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش |
| ۱۶ | عملکرد تحصیلی |
| ۱۶ | الف: مبانی نظری |
| ۱۷ | تعریف سبک‌های یادگیری |
| ۱۷ | شیوه‌های یادگیری |
| ۱۹ | انواع سبک‌های یادگیری |
| ۲۰ | سبک‌های یادگیری گراشا- ریچمن |
| ۲۲ | سبک‌های یادگیری هانی و مامفورد |
| ۲۲ | سبک‌های یادگیری فلدر- سیلورمن |
| ۲۴ | سبک‌های یادگیری دیداری، شنیداری و جنبشی |
| ۲۵ | سبک‌های یادگیری کلب |
| ۲۶ | ویژگی‌های افراد بر حسب سبک‌های یادگیری کلب: |
| ۲۶ | شخصیت |
| ۲۷ | نظریه‌های شخصیت |
| ۲۹ | نظریه‌های روانکاوی و نو روانکاوی |
| ۳۰ | نظریه روانی - اجتماعی |
| ۳۰ | نظریه گروهی مورنو |
| ۳۱ | نظریه شناختی |
| ۳۱ | نظریه رفتارگرایی |
| ۳۲ | نظریه یادگیری اجتماعی |
| ۳۲ | نظریه پدیدار شناختی(فرد محور) |
| ۳۳ | دیدگاه تحلیل عوامل در شخصیت |
| ۳۳ | نظریه صفات مبنی بر تحلیل عوامل |
| ۳۴ | پژوهش های خارجی و داخلی |
| | فصل سوم: روش تحقیق |
| ۵۷ | روش تحقیق |
| ۵۷ | جامعه آماری پژوهش |
| ۵۷ | نمونه پژوهش و روش نمونه گیری |
| ۵۹ | ابزار پژوهش |
| ۶۱ | روش اجرای پژوهش |
| ۶۱ | روش‌های آماری |
| ۶۱ | ملاحظات اخلاقی |
| | فصل چهارم: یافته های پژوهش |
| ۶۶ | یافته های پژوهش |
| | فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری |
| ۷۵ | خلاصه تحقیق |

| | |
|----|-------------------------------|
| ۷۵ | بحث و نتیجه گیری |
| ۷۷ | دستاوردهای اصلی پژوهش |
| ۷۹ | پیشنهادات پژوهش |
| ۷۹ | الف: پیشنهادهای کاربردی |
| ۷۹ | ب: پیشنهادهای پژوهشی |
| ۷۹ | محدودیت‌های پژوهش |
| ۸۰ | منابع فارسی |
| ۸۲ | منابع لاتین |

فهرست جداول

| عنوان | صفحه |
|--|------|
| جدول ۱-۲: سبک‌های یادگیری فلدر-سیلورمن (۱۹۹۸)..... | ۲۳ |
| جدول ۱-۳: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس جنسیت | ۵۷ |
| جدول ۲-۳: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس پایه تحصیلی | ۵۷ |
| جدول ۳-۳: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس رشته تحصیلی | ۵۹ |
| جدول ۴-۳: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس جنسیت- پایه تحصیلی و دبیرستان | ۵۹ |
| جدول ۵-۳: پایایی پرسشنامه کلب، بر اساس محاسبه ضریب آلفای کرانباخ | ۶۰ |
| جدول ۱-۴: ضریب همبستگی بین سبک‌های یادگیری و عملکرد تحصیلی | ۶۶ |
| جدول ۲-۴: ضریب همبستگی بین ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد تحصیلی | ۶۶ |
| جدول ۳-۴: جدول ضریب همبستگی بین ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های یادگیری..... | ۶۸ |
| جدول ۴-۴: مقایسه میانگین نمرات سبک‌های یادگیری در پسران و دختران دانش آموز دوره متوسطه | ۶۹ |
| جدول ۵-۴: مقایسه میانگین نمرات ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت دانش آموزان دوره متوسطه | ۶۹ |
| جدول ۶-۴: مقایسه میانگین نمرات عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه..... | ۷۰ |

فهرست شکل‌ها

| صفحه | عنوان |
|---------|---|
| ۱۸..... | شکل ۱-۲: الگوی یادگیری چهار مرحله ای (کلب و فرای، ۱۹۷۵)..... |
| ۲۶..... | شکل ۲-۲: سبک‌های یادگیری کلب برگرفته از سبک‌های یادگیری و شناختی، امامی پور (۱۳۴۷)..... |

فصل اول: طرح تحقیق

علاقه و تمایل به مطالعه تفاوت های فردی در زمینه یادگیری به دهه ۱۹۶۰ قرن بیستم بر می گردد. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ رشد این واقعیت که افراد در فرایند یادگیری نه منفعل، بلکه همواره فعال اند، روان شناسان تربیتی را بر آن داشت تا در زمینه یادگیری به تحقیق و تفکر بپردازند (ایزدی و محمدزاده ادملایی، ۱۳۸۶).

موضوع یادگیری یکی از مباحث مهم در حوزه روان شناسی است و بر این اساس است که انسان مهارت های خود را توسعه می دهد و اصولاً پیشرفت های بشر و توسعه روزافزون علم، زائیده یادگیری است.

یافته های پژوهشی نو در علم یادگیری و علوم شناختی در پاسخ به این سؤال که انسان ها چگونه یاد می گیرند؛ به کارکردهای ذهن در یادگیری عمقی و ساختن دانش در درون یادگیرنده دلالت دارد. از این دیدگاه، یادگیری فرایندی است که طی آن فرد بازنمایی های ذهنی خود را بهبود می بخشد. تأکیدهایی که امروزه بر امر یادگیری می شود ما را بر آن می دارد که برای یادگیری مطلوب و مؤثر تلاش کنیم و از همه فرصت ها و ظرفیت ها برای پیشبرد دانش و علم که یادگیری وسیله آن است؛ بهره بگیریم. یکی از بحث هایی که ما را به سوی یادگیری مطلوب هدایت می کند، کنکاش در مورد شیوه ها و سبک های یادگیری است (ایزدی و محمدزاده ادملایی، ۱۳۸۶).

دانش آموزان دارای تفاوت های فراوانی هستند که در آموزش نقش اساسی دارند، آنها از نظر یادگیری، توانایی تفکر منطقی با یکدیگر تفاوت های مهمی دارند، در برابر مشکلات و چالشها نیز با شیوه های متفاوتی برخورد می کنند، برخی از دانش آموزان از فعالیت های جدید لذت می برند و دوست دارند که کارها را خود مجدداً سازمان دهند، در حالیکه دیگران کارهای از قبل آزمایش شده و مطمئن را ترجیح می دهند و قادر به سازمان دهی مجدد آن ها نیستند (گلور و برونیک، ۱۹۹۰؛ به نقل از ایزدی، ۱۳۸۶).

به عبارت دیگر، یادگیرندگان از نظر شخصیتی، نگرش ها، واکنش های هیجانی، شیوه ها و سبک های یادگیری، سبک های شناختی و غیره با هم تفاوت هایی دارند که نحوه برخورد آن ها با مسائل و مشکلات را تحت تأثیر قرار می دهد (سیف، ۱۳۸۱).

به منظور شناخت بهتر فرایند یادگیری و عوامل تأثیر گذار روی آن، دانشمندان علم روان شناسی جهت گیری خود را از سوی عوامل رفتاری به سوی عوامل شناختی تغییر داده اند؛ انگیزش های درونی، اسنادها، شناخت، فراشناخت، نظام خود و خود ارزیابی ها از جمله این مؤلفه ها هستند. ویژگی های شخصیت از جمله متغیرهایی است که تا کنون در اکثر زمینه های علم روان شناسی قسمت های عمده ای را به خود اختصاص داده است. یکی از مباحث عمده و فعلی شخصیت این است که ساختار شخصیت فرد با سبک های یادگیری او چه نوع رابطه ای دارد. افراد در یادگیری از سبک های متفاوتی پیروی می کنند و حتی فرد واحد در جریان تحول و در دروس مختلف ممکن است از سبک های یادگیری متفاوتی استفاده کند. از سبک های یادگیری طبقه بندی های مختلفی به عمل آمده است که یکی از آنها نظریه کلب و فرای (۱۹۸۵) می باشد. مطابق نظریه کلب و فرای در می یابیم که افراد دارنده سبک خاص یادگیری از خصوصیات و ویژگیهای شخصیتی متفاوتی برخوردارند، لذا از شخصیت می توانیم به عنوان متغیر پیش بینی کننده سبک یادگیری استفاده کنیم و همچنین بر عکس از سبک یادگیری تا حدودی می توان به مؤلفه های شخصیتی مسلط در فرد پی برد.

آگاهی که ما نسبت به سبک های یادگیری افراد پیدا می کنیم در تدریس و تنظیم برنامه های آموزشی بسیار حائز اهمیت می باشد. در پژوهش هایی که عملکرد تحصیلی را مورد مطالعه قرار دادند، همواره سبک های یادگیری و ویژگیهای شخصیتی به عنوان دو متغیر مهم گزارش شده است. موضوع عملکرد تحصیلی و عواملی که احتمالاً آن را تحت تأثیر قرار می دهند، از دیرباز مورد توجه روان شناسان و مربیان تعلیم و تربیت بوده است (سیف، ۱۳۸۱).

بیان مسأله

هدف اصلی فعالیت آموزش و تدریس، یادگیری است. یادگیری یکی از مهمترین زمینه‌ها در علم روانشناسی امروز است و روش‌هایی که بتوانند توسط آنها یادگیری را بهبود بخشند و معنی دار و اثر بخش کرد، بسیار حائز اهمیت است؛ نه تنها دانش آموزان بلکه معلمان نیز همیشه در پی راه حل‌هایی هستند که توسط آنها در پیشرفت تحصیلی و بهبود یادگیری گامی اثر بخش بردارند. هر دانش آموزی درصدد است چنان مطالعه کند که یادگیری مطلب مورد نظر را به حد اکثر ممکن خود برساند تا سبب افزایش انگیزه، کارایی و پیشرفت تحصیلی خود شود (سید محمدی، ۱۳۷۷).

عملکرد تحصیلی بر مقدار یادگیری آموزشی فرد که از طریق آزمون‌های مختلف درسی مانند حساب، دیکته، تاریخ و جغرافیا سنجیده می‌شود، اشاره دارد (سیف، ۱۳۸۴). عواملی که می‌تواند بر عملکرد تحصیلی تأثیر بگذارد، عنصر معلم در فرایند تدریس و یادگیری است. دانش و مهارت، تجربه، میزان سواد و رشته تحصیلی، ویژگی‌های شخصیتی و نگرش شغلی، از جمله عواملی هستند که می‌توانند کیفیت تدریس معلم را تحت تأثیر قرار دهند. عملکرد تحصیلی با برخی از ابعاد شخصیت از قبیل هویت موفق، وظیفه‌شناسی رابطه دارد.

اما معمولاً در فرایند یادگیری فراگیران، ما با دو مسأله مهم روبرو هستیم؛ اول آنکه برخی مدعی اند آن چه را می‌خوانند و یا آموزش می‌بینند یاد نمی‌گیرند و عده‌ای اظهار می‌دارند با وجود خواندن مطالب وسیعی و تلاش بسیار یادگیری‌شان از مطالب مورد نظر بسیار کم می‌باشد. همین امر موجب بی‌انگیزگی آنان در امر مطالعه و یادگیری می‌شود (بحرالعلوم، ۱۳۷۹).

در گذشته اعتقاد بر این بود که عامل مهم یادگیری هوش فرد است که به صورت ذاتی از والدین به ارث می‌رسد. براساس این اعتقاد فردی که دارای ضریب هوشی بالا باشد به راحتی به یادگیری معنی دار و پیشرفت تحصیلی دست می‌یابد. در صورتی که نظریه‌های جدید روان‌شناسی هوش حاکی از آنند که بخش مهمی از رفتار هوشمندان را کارکردهای شناختی تشکیل می‌دهند و با توجه به این رویکرد برخلاف تواناییهای ذاتی فرد که غیرقابل تغییر است، کارکردهای شناختی قابل آموزش و یادگیری هستند (سیف، ۱۳۸۴).

بنابراین عوامل بسیاری می‌توانند در درک مطلب و یادگیری و نهایتاً پیشرفت دانش آموزان تأثیرگذار باشند. در بین این عوامل می‌توان به سبکهای یادگیری به عنوان یکی از راهبردهای فراشناختی که عامل مهمی برای فعال ساختن ذهن فراگیر می‌باشد، اشاره کرد (فلاول؛ به نقل از بحرالعلوم، ۱۳۷۹).

با این وجود دانش آموزان دارای طیف وسیعی از تفاوتها هستند که در آموزش و یادگیری آنها نقش اساسی دارند. آنها نه تنها در برابر مشکلات و چالشها با شیوه‌های متفاوت برخورد می‌کنند از نظر توانایی یادگیری، تفکر منطقی و... باهم متفاوتند. به نظر می‌رسد که موقعیتهای یادگیری برای هر دانش آموز به یک نسبت مناسب نمی‌باشد، عبارت دیگر مانند ویژگیهای شخصیتی آنان که متفاوت است، روش یادگیری آنها نیز با هم متفاوت است برخی از سبکهای یادگیری به بعضی از آنان کمک می‌کند و سبب یادگیری بهتر در آنان می‌شود. در صورتیکه همین سبکها می‌توانند برای برخی سد راه یادگیری آنان شوند. براین اساس توانایی دانش آموزان به وسیله سبکهای یادگیریشان تعدیل می‌شود (بیلی و همکاران، ۲۰۰۰؛ به نقل از الهی و همکاران، ۱۳۸۱).

در مورد سبکهای یادگیری فراگیران تحقیقات بسیاری انجام شده است که این تحقیقات پیرامون بررسی رابطه سبکهای یادگیری با پیشرفت تحصیلی، جنسیت، رشته تحصیلی و غیره بوده است. که برخی ارتباط بین سبکهای یادگیری با پیشرفت تحصیلی را معنی دار تلقی کرده‌اند (حسینی لرگانی و سیف ۱۳۸۰، رحمانی، ۱۳۷۹، مساواتی، ۱۳۸۱). اما برخی بر این باورند که بین سبکهای یادگیری و موقعیت تحصیلی مانند جنسیت ارتباط معنی دار وجود دارد (الهی ۱۳۸۱، شمشادی، ۱۳۸۰).

یکی از متغیرهای موثر بر یادگیری افراد که در عین حال ارتباط کمی با ضریب هوشی دارد، سبک یادگیری است و در سالهای اخیر با تاکید بر آن چهارچوبی نسبتاً نوین در زمینه یادگیری تدوین شده است، سبک یادگیری را می‌توان به عنوان مولفه‌ای نسبتاً پایدار از نحوه دریافت و تعامل دانش آموزان با محیط یادگیری توصیف کرد (ایزدی، ۱۳۸۶؛ به نقل از کیف، ۱۹۷۹).

عملکرد تحصیلی دربرگیرنده استعداد، توانایی و کار دانش آموزان است این عنصر به گونه‌ای بسیار ظریف به رشد جسمی، اجتماعی، شناختی و عاطفی مربوط است، و منعکس کننده‌ی تمامیت دانش آموزان در مدارس عمومی و در سالهای دانشگاه و زندگی کاری، خود را نشان می‌دهد (استنبرگر، ۱۹۹۳؛ به نقل از شامرادلو، ۱۳۷۷).

پیش بینی عملکرد تحصیلی، یکی از موضوعات محوری مورد علاقه روان شناسان تربیتی است (بوساتو و همکاران، ۲۰۰۰). علی رغم وجود حجم کثیری از مطالعات درباره نقش آزمون های هوش و توانایی در پیش بینی عملکرد تحصیلی، تحقیقات اخیر تأکید کرده اند که عوامل شخصیتی به ویژه در سطوح بالاتر تحصیلات رسمی، در پیش بینی عملکرد تحصیلی نقش بسزایی ایفا می کنند (چامورو- پرموزیک و فارنهام، ۲۰۰۳). همچنین عملکرد تحصیلی انجام دادن کاری است برای بدست آوردن نتیجه مطلوب و برتری و تفوق در یک مهارت یا گروهی از معلومات (شعاری نژاد، ۱۳۶۴).

شخصیت مجموعه سازمان یافته و واحدی است متشکل از خصوصیات نسبتاً پایدار و بادوام که در مجموع یک فرد را از افراد دیگر متمایز می سازد؛ (شاملو، ۱۳۷۴). گاه کلمه شخصیت برای توصیف بارزترین ویژگی شخص به کار می رود؛ مثلاً گفته می شود فلان شخص، شخصیت پرخاشگر یا خجولی دارد. ولی روان شناسان در بحث شخصیت بیش از هر چیز به تفاوت‌های فرد توجه دارند، یعنی ویژگیهایی که یک فرد را از افراد دیگر متمایز می سازد.

هنگام اشاره به اصطلاح شخصیت، ما در واقع مقصودمان ویژگی های فرد است که در طول زمان پایدار باقی می ماند، ولی دانشمندی بنام والتر میشل ابراز داشت که ویژگیهای شخصیتی افراد با توجه به موقعیت هایی که افراد در آن واقع اند در طول زمان تغییر می کند.

اگرچه اعتقاد براین است که شخصیت هر فرد بی همتا است و ما نمی توانیم دو فرد را بیابیم که تمام ویژگی های آنها یکسان باشد ولی با وجود همه اینها بین افراد آدمی شباهت هایی وجود دارد و این خود دلیلی است برای مطالعه شخصیت.

پژوهشگر ضمن بررسی سبکهای یادگیری گوناگون فراگیران درصدد پاسخدهی به این سوال است که آیا بین سبکهای یادگیری و ویژگی های شخصیتی دانش آموزان با عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

قبل از پرداختن به ضرورت پژوهش حاضر لازم به ذکر است که یکی از دغدغه های والدین و آموزش و پرورش این است که در عصر حاضر که تکنولوژی و پیشرفت علوم سرعتی غیرقابل تصور و پیش بینی دارد، فرزندان و دانش آموزان شان را چگونه تربیت کنند و پیشرفت آنها در علوم مختلف را چگونه بهبود بخشند تا بتوانند با موقعیتهای پرچالشی که آینده در دل نهمان داشته، روبرو شوند (قورچیان و همکاران، ۱۳۷۸).

دنیای امروز جوانان تنها به داخل کشور و جامعه ایران خلاصه نمی شود. دنیای امروز دنیای آنسوی مرزهاست که تنها با فشار بر یک دکمه کامپیوتر با جهانی مملو از اطلاعات ارتباط برقرار می شود. در جامعه ایران به نظر می رسد برای دستیابی به اهداف والای بشریت و رسیدن به قله های پیشرفت همه جانبه نیاز به بالا بردن توان دانش آموزان در رقابتهای بین المللی وجود دارد. در بالا بردن این توان با موانعی ریشه ای مواجه ایم، که می توان به مشکل عملکرد ضعیف یا افت تحصیلی دانش آموزان اشاره کرد. برخی از دانش آموزان دارای مشکلات خواندن در نهایت عدم درک مطلب می باشند و قبل از آنکه توانایی لازم در خواندن و یادگیری را کسب کرده باشند نمی توان به تدریس پرداخت (بحرالعلوم، ۱۳۷۹).

پیشرفتهای بشر در علوم مختلف و دستیابی انسان به رفتارهای والای انسانی جز در سایه یادگیری امکان پذیر نمی باشد و لازمه موفقیت و پیشرفت در تحصیل کسب مهارتهای یادگیری است (شکرچی، ۱۳۸۵).

شناخت سبکهای یادگیری و شناختی می تواند به دانش آموزان کمک کند که مهارتهای لازم در پیشرفت دروس مختلف و عملکرد تحصیلی خوب را که از ضرورت های نظام آموزش است را گسترش دهد. قبلاً تفاوت های فردی دانش آموزان عامل اصلی در تفاوت سطح تحصیلی و پیشرفت آنها در دروس مختلف پنداشته می شد و راهبرد های اندکی برای رفع مشکلات یادگیری ارائه می شد، اما در سالهای اخیر با مطرح شدن دیدگاههای شناختی و پردازش اطلاعات، نظرات جدیدی در این باره ارائه شده است (مونتاگو، ۱۹۹۲؛ به نقل از بحر العلوم، ۱۳۷۹).

تفاوت دانش آموزان تنها در قابلیت و خصوصیات ذاتی آنها نیست، بلکه در روش یادگیری مطالب نیز با هم متفاوت اند. بنا براین تنها می توان گفت یکی از عوامل مهم یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان آشنایی آنان با سبکهای یادگیری و سبکهای ترجیحی خودشان است.

این شناخت می تواند در برنامه ریزی جهت مطالعه و یادگیری موثر برای آنها باشد. زیرا همانطور که قبلاً اشاره شد هر دانش آموز در شیوه یادگیری با دیگری متفاوت است. بنابراین بررسی توزیع سبکهای یادگیری در بین فراگیران بسیار مهم است (حسینی نسب و همکاران، ۱۳۸۵).

اهمیت اساسی پژوهش حاضر در این است که اگر دانش آموزان دبیرستانی به درستی با سبکهای گوناگون یادگیری و شناخت صحیح ویژگی های شخصیتی خود آشنا شوند و سبک یادگیری ترجیحی یا سبکهای ترجیحی خود را بشناسند و بدانند که دستیابی به یادگیری معنادار از این طریق چگونه است، آثار منفی ناتوانی در یادگیری اثربخش، کاهش یافته و دستیابی به پیشرفت تحصیلی و عملکرد خوب تحصیلی راحت تر می شود.

از طرف دیگر یافته های این پژوهش می تواند در زمینه های علمی و عملی مورد استفاده محققان و علاقه مندان سبکهای یادگیری قرار گیرد و این حرکت ناچیز برای آنان قدمی برای رسیدن به رهیافت های بیشتر و عمیق تر در باب موضوع مورد نظر باشد.

با توجه به این که هدف اصلی نظام تعلیم و تربیت پرورش یادگیرندگان با انگیزه و کارآمد است. روان شناسان تلاش کرده اند که از طریق یافته های تحقیقاتی خود گام هایی در جهت تبیین عوامل مؤثر در پرورش این نوع یادگیرندگان بردارند و در نتیجه نقش اساسی را در پیشبرد این راه ایفا کنند.

با توجه به تفاوت های فردی افراد و عوامل وراثتی، اکتسابی، هوشی، همچنین عوامل محیطی، ضرورت انجام این تحقیق در شهرستان یاسوج را دو چندان می نماید؛ با تأکید بر عدم انگیزه دانش آموزان به تحصیل و میزان افت تحصیلی در دوره متوسطه، هر چند که تحقیقات فراوان و دامنه داری در این زمینه انجام گرفته و ترجیحات یادگیری افراد را بر جسته می نماید. و تاثیر آن در فرآیند یادگیری و کسب عملکرد تحصیلی و ویژگی های شخصیتی زمینه انجام تحقیقاتی در این زمینه لازم الاجراست که تحقیق حاضر تلاش دارد تا ارتباط بین این متغیرها با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دبیرستان های شهر یاسوج مورد آزمون قرار دهد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی

هدف کلی پژوهش تبیین رابطه بین سبکهای یادگیری، ویژگیهای شخصیتی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر و دختر دوره متوسطه شهر یاسوج می باشد.

اهداف فرعی

- ۱- تبیین رابطه بین سبکهای یادگیری با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه.
- ۲- تبیین رابطه بین سبکهای یادگیری و ویژگیهای شخصیتی دانش آموزان دوره متوسطه.
- ۳- تبیین رابطه بین ویژگیهای شخصیتی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه.
- ۴- تفاوت بین سبکهای یادگیری و جنسیت در دانش آموزان دوره متوسطه.
- ۵- تفاوت بین ویژگیهای شخصیتی و جنسیت در دانش آموزان دوره متوسطه.
- ۶- تفاوت بین عملکرد تحصیلی و جنسیت در دانش آموزان دوره متوسطه.

تعاریف نظری

سبک یادگیری

سیف (۱۳۸۴) سبکهای یادگیری را راههای انفرادی مورد استفاده یادگیرنده برای پردازش اطلاعات و مفاهیم تازه یا روش هایی که یادگیرنده با استفاده از آن اطلاعات را سازمان دهی می کند تعریف کرده است.

سبک واگرا: افراد با سبک واگرا که شیوه های یادگیری تجربه عینی و مشاهده تأملی را با هم ترکیب می کنند و بیشترین توانایی را در دیدن موقعیتهای عینی از دیدگاههای مختلف دارند. متمایل به رابطه با دیگران، هیجانی و دارای قوه تصور بالا هستند.

سبک همگرا: افراد سبک همگرا شیوه های مفهوم سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال را با هم ترکیب می کنند. بیشترین توانایی را در کاربرد اندیشه ها و نظریه ها دارند.

آنها ترجیح می دهند با مسائل فنی سروکار داشته باشند نه مسائل اجتماعی و بین فردی.

سبک جذب کنند: افراد با سبک جذب کننده شیوه های یادگیری مفهوم سازی انتزاعی و مشاهده تأملی را با هم ترکیب می کنند. بیشترین توانایی را در درک و ترکیب اطلاعات فراوان به صورت موجز و منطقی دارند.

سبک انطباق یابنده: افراد با سبک انطباق یابنده شیوه های یادگیری تجربه عینی و آزمایشگری فعال را با هم ترکیب می کنند. آنها بیشترین توانایی را در یادگیری تجارب دست اول دارند (امامی پور، ۱۳۸۶).

عملکرد تحصیلی

عملکرد تحصیلی به میزان موفقیت فرد در بعد آموزش و تحصیل اشاره دارد (زهرا کار، ۱۳۸۳).

و همچنین عملکرد تحصیلی بر مقدار یادگیری آموزشی فرد که از طریق آزمونهای مختلف درسی مانند حساب، دیکته، تاریخ و جغرافیا سنجیده می شود نیز اشاره دارد (سیف، ۱۳۸۴).

ویژگیهای شخصیتی

ویژگیهای شخصیتی به جنبه های بی همتا و نسبتا پایدار درونی و بیرونی منش فرد که در موقعیت های مختلف بر رفتار وی تاثیر می گذارد گفته می شود (شولتز، ۱۹۹۰؛ ترجمه کریمی ۱۳۷۷).

تعاریف عملیاتی

سبک یادگیری:

به نمره ای که فرد از پرسشنامه سبک یادگیری کلب (۱۹۸۵) به دست می آورد سبک یادگیری گفته می شود.

عملکرد تحصیلی

منظور از عملکرد تحصیلی معدل نمرات افراد مورد مطالعه در پایان سال تحصیلی ۹۰-۸۹ می باشد.

ویژگی شخصیتی

به نمره ای که فرد از پرسشنامه پنج عاملی نئو (FFI)^۱ کسب می کند ویژگی شخصیتی گفته می شود.

¹ Five Factor Inventory

فرضیه های تحقیق

- ۱- بین سبک های یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه رابطه معنادار وجود دارد.
- ۲- بین ویژگیهای شخصیتی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه رابطه معنادار وجود دارد.
- ۳- بین سبکهای یادگیری و ویژگیهای شخصیتی دانش آموزان دوره متوسطه رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه های جانبی

- ۴- بین سبکهای یادگیری دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه تفاوت وجود دارد.
- ۵- بین ویژگیهای شخصیتی دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه تفاوت وجود دارد.
- ۶- بین عملکرد تحصیلی دختران و پسران دانش آموز دوره متوسطه تفاوت وجود دارد.

فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش